

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد همه سر به سر تن به کشتن دهیم
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: یوری اریسوف (YURI BORISOV)

برگردان: ا.م. شیری

۰۱ سپتمبر ۲۰۲۴

حلقه بزرگ اوراسیا



روسیه مجموعه کاملی از روابط در اوراسیا را پیگیرانه ایجاد می‌کند تا به این «ناحیه حیاتی» [هارتلند] وزن و اهمیت غالب در امور جهانی بدهد.

سرگئی لاوروف و محسن الزیندانی شیعه، وزیرای خارجه روسیه و یمن در ۲۷ اگست سال جاری در مسکو دیدار و مذاکره کردند.

رئیس دیپلماسی روسیه گفت: «من معتقدم که تجربه فراوان شما در زمینه دیپلماسی و سیاست بین‌الملل به غلبه بر مشکلات کنونی و تقویت موقعیت بین‌المللی کشور شما در راستای منافع مردم یمن کمک خواهد کرد». وی در مورد تبادل نظر آتی افزود: «در مورد وضعیت منطقه شما و تلاش‌ها برای غلبه بر بحران کنونی جمهوری یمن، احیای یکپارچگی کشور و فراهم کردن شرایط قابل اعتماد برای توسعه آن در راستای منافع کشور و مردم یمن نه تنها باید ادامه یابد، بلکه باید دو-سه برابر هم شود».

واضح است که مسکو باید دلایل بسیار جدی برای چنین نزدیکی داشته باشد. زیرا، ما در مورد برقراری روابط با دولت آن بخش از یمن صحبت می‌کنیم که خلاف دولت حوثی در شمال این کشور تقسیم شده، هنوز نقش مهمی در مبارزه جهانی علیه هژمونیسیم غربی ایفا نمی‌کند.

شاید انگیزه فدراسیون روسیه در این مورد واقعاً محدود به کمک به غلبه بر شکاف داخلی یمن و بازگشت آن به وضعیت یک کشور واحد باشد که به طور عینی علاقه‌مند به پیشرفت جهان چند قطبی است.

با این حال، به نظر می‌رسد این نسخه از تنها نسخه فاصله دارد و همه چیز را توضیح نمی‌دهد. به ویژه با توجه به این واقعیت که یمن امروزی به چندین واحد سرزمینی با ثبات تقسیم شده که چشم‌انداز اتحاد آن‌ها یک سؤال بسیار بزرگ است. بعید نیست که هدف فدراسیون روسیه در این سناریو بیشتر عمل‌گرایانه باشد، و آن نه بر اساس اتحاد مجدد فرضی کشور، بلکه کاملاً به عکس، بر وضعیت موجود استوار است.

ثبات وضع موجود تنها با این واقعیت مورد تأکید قرار می‌گیرد که شمال و جنوب یمن، در طرح کلی کنونی خود، بسیار یادآور جغرافیای این کشور در زمان اتحاد شوروی، در زمانی است که شمال یمن، درست مانند اکنون، در خارج از مدار نفوذ اتحاد شوروی قرار داشت. اما در دهه ۱۹۸۰، یمن جنوبی در واقع پایگاه اصلی نفوذ شوروی در مسیرهای حمل و نقل ستراتیژیک اقیانوس هند بود. جزیره سقطرای یمن جنوبی زمانی به عنوان پایگاه اصلی شوروی در این منطقه از سیاره بود.

در جمهوری دموکراتیک خلق یمن به پایتختی عدن، هیچ پایگاه شوروی یا نقطه پشتیبانی لجستیکی نیروی بحری به طور رسمی وجود نداشت، اما آن‌ها فعال بودند و کاملاً عمل می‌کردند. در سال ۱۹۶۹ با اتحاد جماهیر شوروی قراردادی مبنی بر استفاده از تأسیسات بندری یمن جنوبی برای استراحت و تأمین مجدد کشتی‌های شوروی فعال در اقیانوس هند منعقد شد و تعداد بازدیدهای کشتی‌های جنگی و کشتی‌های کمکی نیروی بحری اتحاد جماهیر شوروی سال به سال افزایش می‌یافت. به طوریکه تنها از نومبر ۱۹۷۶ تا دسامبر ۱۹۷۹، ۱۲۳ کشتی شوروی از عدن بازدید کردند. از جنوری ۱۹۸۰، هواپیماهای ضد تحت‌البحری ایل-۳۸ نیروی بحری به طور دائم در عدن مستقر شدند. پس از ساخت یک فرودگاه نظامی در العند، آن‌ها «محل استقرار» خود را تغییر دادند و تا انحلال اتحاد جماهیر شوروی در سال ۱۹۹۱ در آنجا ماندند. ناوگان شوروی همچنین از خلیج‌های مناسب مجمع‌الجزایر سقطرای یمن در «ورودی» خلیج عدن از اقیانوس هند برای لنگر انداختن استفاده می‌کرد.

فراموش نشود که حضور نیروی بحری اتحاد جماهیر شوروی در آن زمان فقط به یمن جنوبی محدود نبود. اتحاد شوروی در زمان‌های مختلف در سوماتری (بربره)، در اتیوپی (در جزیره نوکرا)، در سیشل (بندر ویکتوریا) پایگاه‌های نظامی و نقاط تدارکاتی داشت. در سال ۱۹۸۲، از ۸ تا ۱۲ مه، کشتی بزرگ ضد تحت‌البحری واسیلی چاپایف از بندر ویکتوریا در سیشل بازدید کرد.

در حال حاضر، تمام این پایگاه‌ها از بین رفته و نیروی بحری روسیه با مشکلات جدی برای بازگشت به این منطقه آبی بدون نقاط پشتیبانی ساحلی قابل اعتماد مواجه است.

اما برگردیم به وضعیت یمن. در شرایط امروزی، شمال یمن کاملاً توسط حوثی‌های طرفدار ایران کنترل می‌شود و در اینجا روسیه به وضوح در نقش چرخ سوم قرار دارد (اگرچه این تشکل دوست فدراسیون روسیه است). شرق این سرزمین در اختیار ائتلاف سعودی است که بعید است آن را به کسی واگذار کند. آنچه باقی می‌ماند همان یمن جنوبی است که روسیه با آن پیوندهای تاریخی دیرینه دارد.

جلسه مشورتی با حضور ۳۳۰ نماینده احزاب، جنبش‌ها، اتحادیه‌های کارگری، سازمان‌های جامعه مدنی، رهبران ملی و معنوی یمن جنوبی در ۹ مه ۲۰۲۳ در عدن برگزار شد. احزاب سیاسی و سازمان‌های اجتماعی یمن جنوبی برای ایجاد یک کشور مستقل فدرال در جنوب یمن منشور ملی امضاء کردند. در سند گفته می‌شود: «بیمان ملی، احیای دولت جمهوری دموکراتیک خلق یمن را که در استان‌های جنوب یمن وجود داشت، پیش‌بینی می‌کند. زیرا، مشکل مردم جنوب یک مسأله سرزمینی و جمعیتی است که در نتیجه فروپاشی پروژه وحدت یمن و اشغال

جنوب توسط جمهوری یمن به وجود آمد. ایالت جنوبی به عنوان یک کشور فدرال دموکراتیک مدنی عرب، مسلمان و مستقل تشکیل خواهد شد».

در عین حال، موضوع از سرگیری حضور ستراتیژیک و به ویژه نیروی بحری روسیه در پایگاه سابق این کشور در اقیانوس هند روز به روز اولویت می‌یابد. به ویژه با توجه به توسعه فرآیندهای ژئوپلیتیکی در فضای اوراسیا، که مخصوصاً با نیاز فوری به ایجاد یک حلقه انرژی اوراسیائی محصور به نفع همه کشورهای این منطقه وسیع، معروف به «ناحیه حیاتی» (هارتلند) مشخص می‌شود».

در حال حاضر یکی از آن‌ها در سیبری و خاور دور شکل گرفته که ارتباطات انرژی قوی بین فدراسیون روسیه و جمهوری خلق چین رو به برقرار شدن است. و جهت یک قوس دیگر در جانب غربی اوراسیا هم اکنون به طور فعال در دست مطالعه است.

نباید از نظر دور داشت که این موضوع، به ویژه، موضوع سفر رسمی اخیر ولادیمیر پوتین، رئیس جمهور روسیه به آذربایجان بود. آذربایجان با هدف ارتقای منافع خود، سیاست سنجیده‌ای را خارج از تأثیر امریکا یا نفوذ ترکیه دنبال می‌کند و از این طریق، همانطور که مشخص است، به نتایج عملی قابل توجهی دست یافته است. این از نظر روسیه که همواره به عزت و استقلال شرکای خود ارج می‌نهد، یک معیار اصلی حقیقت و تضمین روابط متقابل سودمند است. علاوه بر این، زمین برای توسعه آن‌ها، در این مورد، بسیار حاصلخیز است. آذربایجان یک کشور سرشار از نفت و گاز است و روسیه و چین برنامه‌های بزرگی برای ایجاد یک حلقه بزرگ انرژی اوراسیا، کاملاً مستقل از خودسری‌های افسار گسیخته غرب دارند.

منطقه خزر دقیقاً هم به دلیل منافع متقابل و هم به دلیل طبیعت این حلقه بسته که از شرق به واسطه خطوط لوله گاز روسیه به چین آغاز شده، با یک مسیر غربی - از روسیه از طریق آذربایجان و ایران تا آبهای گرم متصل می‌شود.

و این هم خبری که این چشم‌انداز را تأیید می‌کند:

کاظم جلالی، سفیر جمهوری اسلامی ایران [در روسیه] با بیان این که در پایان سال ۲۰۲۳ فدراسیون روسیه رتبه اول سرمایه گذاری خارجی در ایران را به خود اختصاص داد، گفت: «ما علاقه زیادی به همکاری با فدراسیون روسیه داریم. ما آماده انتقال گاز روسیه از طریق خاک ایران هستیم».

گازپروم و شرکت ملی گاز ایران در ماه جون، یک تفاهنامه ستراتیژیک در مورد تأمین گاز امضاء کردند. در همین ماه، جواد اوجی، وزیر نفت ایران اعلام کرد که به اساس این توافق، کشور ما در نظر دارد روزانه تا ۳۰۰ میلیون متر مکعب گاز از خط لوله روسیه دریافت کند. حجم عرضه سالانه می‌تواند به ۵.۱۰۹ میلیارد متر مکعب در سال برسد.

درک این واقعیت دشوار نیست که وجود پایدار حلقه انرژی بزرگ اوراسیا و همچنین کل «ناحیه حیاتی» [هارتلند] اوراسیا با به اصطلاح «ریملند» [قوس اطراف هارتلند] که توسط غرب در حومه ساحلی اوراسیا دقیقاً به منظور انزوای حداکثری آن از بقیه جهان شکل گرفته، مخالف است.

تداوم سلطه غرب در آب‌های اقیانوسی مجاور اوراسیا بی‌شک عامل بی‌ثباتی و بی‌نظمی این ابر منطقه کلیدی کره زمین است. آخرین مدل‌های ژئوپلیتیک آنگلساکسون، مانند مشارکت امریکا- انگلیس- استرالیا (AUCUS) در منطقه هند-اقیانوسیه و غیره که مستقیماً با هدف ایجاد شکاف و مخالفت با بازیگران برجسته اوراسیا انجام می‌شوند، دقیقاً در خدمت این هدف هستند.

به همین دلیل است که ورود قدرت‌های اصلی «هارتلند» به پهنه‌های بحری اطراف این اَبَرقاره و لنگرگاه مستحکم در آب‌های اطراف اوراسیا، دقیقاً مهم‌ترین هدف ستراتیژیک است. آینده این سرزمین واقعاً قلب سیاره ما تا حد زیادی به دستاوردهای آن بستگی دارد.

نقل از: [بنیاد فرهنگ ستراتیژیک](#)

مطلب مرتبط: جهان ما چگونه بود و چه شد

۹ شهریور - سنبله ۱۴۰۳